

موضوع: مسائل مستحدثه تحریر الوسیله / تغییر جنسیت

جلسه ششم، ۷ دی ۱۳۹۸

استاد سید احمد خاتمی

خلاصه درس گذشته

تغییر جنسیت را بحث کردیم، سرانجام به این رسیدیم با مجموعه ی ادله آنچه امام راحل فرموده اند تغییر جنسیت حرام نیست مستند است. دلیل محکمی بر حرمت اقامه نشده است. البته امام راحل نیز دلیل محکمی بر وجوب تغییر جنسیت اقامه نکرده اند. پس ما هستیم و مراجعه به اصل اباحه و براءت متعین می شود. ولی بخاطر اینکه شارع مقدس تشدید می کند امر فروج و دماء دارد. نمی توانیم مانند امام راحل با شجاعت قائل به جواز بشویم، یعنی همراهی با محقق خوبی که قائل به حرمت است نداریم و به شجاعت امام راحل نمی توانیم جواز را بگوییم. لکن می گوییم جایز است و ان کان الاحوط ترکه.

مساله:

ادامه

.... وكذا لا يحرم العمل في الخنثى ليصير ملحقاً بأحد الجنسين، و هل يجب ذلك لو رأَت المرأة في نفسها تمايلات من سنخ تمايلات الرجل أو بعض آثار الرجولية أو رأى المرء في نفسه تمايلات الجنس المخالف أو بعض آثاره؟ الظاهر عدم وجوبه إذا كان الشخص حقيقة من جنس ولكن أمكن تغيير جنسيته بما يخالفه [1].

مساله

بعدی مساله خنثی است و از مسائل مهم و قابل توجه معاصر نیست. ولی چون امام راحل مطرح کردند و برای اینکه بحث ناقص نماند آن را مطرح می کنیم و در آن زیاد توقف نمی کنیم.

امام راحل می فرماید حرام نیست خنثی عمل کند تکلیف جنسیت خود را معین کند که مرد یا زن است. وقتی کلی تغییر جنسیت در نظر امام راحل جایز است درباره خنثی به طریق اولی است، به خصوص اگر در انجام وظیفه و تکالیف دچار مشکلات بشود.

معنی لغوی خنثی در لغت و در کتاب مجمع البحرین ج ص : هو الذی له فرج الرجل و المرأة. خنثی کسی است که آلت رجولیت مردانگی را دارد و هم آلت زنانگی را دارد. و الجمع خنثا ککتاب و الخنثائی کالحبالی. در گذشته بحث کردیم از قرآن استفاده می شود که انسان ها یا مذکر یا مؤنث هستند. اما هم مذکر و هم مؤنث باشند این ظاهری است و در واقع

چنین نیست. در واقع یا مذکر و یا مونث است. علائمی برای تشخیص ذکوریت و انوئیت خنثی بیان شده است.

علامت اول: اینکه دو عضوی که دارد اگر همیشه بول از عضو مردانه باشد نشان مرد بودن او است و اگر معمولاً بول او از عضو زنانه باشد نشان زنانه بودن است و عضو مردانه زائد است.

علامت دوم: اگر از هر دو عضو بول او می آید ولی سبقة البول من احدهما است. نشان ذکوریت و نشان انوئیت خواهد بود.

علامت سوم: اگر بول از هر دو عضو شروع می شود ولی انقطاع بول من احدهما باشد. عضوی که بول از آن عضو منقطع می شود، در تعیین جنسیت ملاک است.

علامت سوم: شمردن اضلاع خنثی است. منتهی مساله سه صورت دارد:

صورت اول: در حقیقت خنثی نیست بلکه آلت او مستور است. از کودکی پوست روی آلت را پوشانده که با عمل جراحی ساده مشکل برطرف می شود.

صورت دوم: خنثای مشکله است یعنی هم نشانه های رجولیت و هم نشانه های انوئیت را دارد و نمی توان تشخیص داد یعنی فقط پوشیده بودن عضو نیست از سوی دیگر نشانه ها نیز را ندارد. یعنی گاه از ذکوریتش استفاده می کند گاه از انوئیتش استفاده می کند، گاه گرایش زنانه دارد، گاه گرایش مردانه دارد به این خنثای مشکل می گویند. صورت سوم: خنثی غیر مشکل است بلکه با امارات ذکر شده می توان تشخیص داد.

اما صورت اول که پوست عضو را پوشانده نه تنها جایز است بلکه در مواردی واجب است. باید معلوم شود در مجالس مردانه یا مجالس زنانه شرکت کند، باید تکلیف او روشن باشد مثلاً خونی که می بیند خون حیض است و نماز را ترک کند. یا خون دیگر است، قروح و جروح دیگر است و نمازش را بخواند. اسم این صورت را تغییر جنسیت نیست بلکه اسم آن علاج و درمان است.

ان قلت: نیاز به جراحی دارد و چه بسا پزشک زن مختصاً، پزشک مرد مختصاً در این حوزه نباشد، معلوم نیست چه جنسیتی دارد حتی پزشک زن یا مرد او را درمان کند. در این جا قانون کلی مرجع است و به آن مراجعه می شود عبارت از این است که در طبابت اصولاً باید مرد به طبیب مرد مراجعه کند و کذالک زن به طبیب زن مراجعه کند. و زنها بدانند که چه بسا طبیب زن بهتر از طبیب مرد درمان می کند - . متأسفانه این تصور در برخی زنان گرایشی است که زن

نمی تواند طبیب برجسته و از طبیب مرد برجسته تر باشد. خطایی دیگری که بین عده ای وجود دارد اینکه فکر می کنند طبیب مرد محرم است. درحالی اگر زنی بیمار است و پزشک زن نباشد برای نجات زن پزشک مرد آن را درمان کند. -همه فقهاء فتوا داده اند عند الاضطرار برای نجات زن باید طبیب مرد به داد زن برسد و او را از مرگ نجات بدهد. در مورد مرد نیز صادق است یعنی طبیب زن به داد مرد برسد. البته شرایط اضطرار باید رعایت بشود. مثالی که برای اضطرار زده می شود عبارت از اضطرار به اکل میته است که این در شرایطی است که هیچ راهی برای نجات خود ندارد. اما در صورتی که پزشک زن و پزشک مرد هست اما زن با دو ساعت تاخیر مثلا حاضر بشود باید صبر کرد آری اگر برای نجات زن نمی توان این مدت زمانی را صبر کند می تواند مرد زن را نجات بدهد. بنابراین مورد اتفاق همه فقها است و روایت معتبر نیز دال بر آن می باشد.

تیرهای وسایل الشیعه در تبویب باب ها فتوهای محرموم شیخ حر عاملی است. «بَابُ أَنَّهُ يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يُعَالَجَ الْأَجْنَبِيَّةَ وَيَنْظُرَ إِلَيْهَا مَعَ الضَّرُورَةِ خَاصَّةً وَ بِالْعَكْسِ وَ لَا يَجُوزُ مَعَ عَدَمِهَا حَتَّى مِنَ الصَّبِيِّ الْمُمَيَّرِ»

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ يُصِيبُهَا الْبَلَاءُ فِي جَسَدِهَا إِمَّا كَسْرًا وَإِمَّا جُرْحًا فِي مَكَانٍ لَا يَصْلُحُ النَّظَرُ إِلَيْهِ يَكُونُ الرَّجُلُ أَرْفَقَ بِعِلَاجِهِ مِنَ النِّسَاءِ أَوْ يَصْلُحُ لَهُ النَّظَرُ إِلَيْهَا قَالَ إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ فَلْيُعَالَجْهَا إِنْ شَاءَتْ [2].

سند روایت:

محمد بن یعقوب و محمد بن یحیی و احمد بن محمد بن عیسی چهره هایی که همه معتبر و مورد تایید هستند. علی بن الحکم اسم دو نفر است. یکی علی بن حکم بن زبیر است که توثیق نشده است و دیگری علی بن حکم کوفی است، توثیق شده است. محقق اردبیلی و محقق خوبی می فرمایند این دو نفر یکی هستند و آنها را توثیق کرده اند. در مرآة ج ۲۰ ص ۲۷۲ می گوید: الحدیث صحیح. ثابت بن دینار ابو حمزه ثمالی راوی دعای سحر ماه رمضان است. درباره او گفته شده: ابو حمزه فی زمانه کسلمان فی زمانه و ذالک لانه ادرك اربعة منا امام سجاد، امام باقر، امام صادق عليهم السلام را درک کرده است و در زمان امام کاظم علیه السلام از دنیا رفته است. ابو حمزه افتخار دارد پدر سه شهید باشد. همه او را توثیق کرده اند.

دلالت روایت:

از بلایی در جسد زن که جراحی یا شکستن است سؤال می کند، در جایی که مرد نباید به آن نگاه کند پیدا می شود. مرد بهتر از زنان می تواند درمان کند. آیا مرد می تواند وارد میدان علاج بشود؟ امام فرمود: قَالَ إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ فَلْيُعَالَجْهَا إِنْ شَاءَتْ. امام علیه السلام فرمود: اگر مضطر باشد و بخواهد مرد می تواند او را علاج کند. بنابراین اگر کسی چنین گرفتاری دارد و با عمل جراحی جنسیت او معین می شود این صورت دیگر تغییر جنسیت نیست. اینجا اگر طبابت برای او می شود اضطراب است چون معلوم نیست زن یا مرد است. متخصص زن یا مرد می تواند درمان کند. این مساله اول است. در این قسمت مساله در کلام امام راحل جای هیچ گونه تردید نیست. جالب است در این قسمت محقق خویی با امام راحل همراه است. متن کلام امام راحل: و كذا لا يحرم العمل في الخنثى ليصير ملحقاً باحد الجنسين. محقق خویی در پاسخ به استفتاء فرمودند منعی در آن نیست

س- بالنسبة إلى الخنثى الكاذبة- أي أن الشخص في خلايا جسمه من الناحية الوراثية ذكر مثلاً و لكن الآلة الخارجية تغاير ذلك أو العكس. فهل يجوز تغيير الشكل الخارجي بما يوافق واقع الأمر؟ ج- لا مانع من ذلك [3].

همه گرایش های او مردانه است منتهی آلت او وضعیت دیگری دارد یا برعکس همه گرایش های تو زنانه است و آلت او مردانه است. معلوم می شود که زیر پوست قرار گرفته آلت انوثیت یا آلت ذکوریت آیا جایز عمل کنند و مشخص کنند که تکلیف چیست؟ محقق خویی می فرماید: منعی ندارد. المسائل الشرعية ج ۲ ص ۳۰۳ وجه عدم منع در نظر محقق خویی، چون این درمان است و تغییر جنسیت نیست. بنابراین شبهه ای در این مورد نیست. برخلاف آنچه که درباره تغییر جنسیت گفته شده است که نظر محقق خویی عدم جواز است و مخالف نظر امام راحل بود ولی در تعیین جنسیت امام راحل و محقق خویی موافق یکدیگر هستند. خلاصه مطلب اینکه این شخص بیمار است و اطلاق خنثی بر این شخص مسامحه است چون جنسیت او معین است مذکر یا مؤنث است. با عمل جراحی معلوم می شود.

صورت دیگر خنثی مشکل و صورت سوم خنثی غیر مشکل است که در جلسه بعد مطرح می کنیم

[1] تحریر الوسيلة - ط نشر آثار، الخميني، السيد روح الله، ج ۲، ص ۶۶۸.

[2] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٢٠، ص ٢٣٣، أبواب ابواب مقدمات النكاح وادابه، باب ١٣٠، ح ١، ط آل البيت.

[3] المسائل الشرعية، الخوئي، السيد أبو القاسم، ج ٢، ص ٣٠٣.